استفتائات استطاعت

استفتائات استطاعت

[۶۰] س ـ کسی در مدینه مریض شده (سکته کرده) و فعلاً در بیمارستان است و دکترها گفته اند که باید تا دو هفته استراحت کند، آیا بعد از مدت استراحت در صورتی که حمل او برای انجام دادن اعمال مشکل باشد، اگر او را به مکه ببرند وظیفه این شخص چیست؟
ج ـ اگر سال اول استطاعت او است و قدرت اعمال، حتی به نحو اضطراری را ندارد، از استطاعت افتاده و حج بر او واجب نیست ولی برای دخول مکه باید مُحرم شود و با انجام اعمال عمره مفرده ولو اضطراری آن، از احرام خارج می شود، و چنانچه سال اول استطاعت او نباشد و حج براو مستقرشده، اگر مأیوس از خوب شدن باشد باید نایب بگیرد که برایش عمره و حج تمتّع انجام دهد و خودش برای دخول مکه مُحرم شود و عمره مفرده به طوری که ذکر شد به جا آورد، و چنانچه برای این شخص انجام اعمال حج تمتّع ممکن باشد، و لو به‌نحو اضطرار و انجام اضطراری اعمال، لازم است مُحرم شود و هر مقدار از اعمال را که می تواند ولو با کمك گرفتن از دیگری انجام دهد، و هر مقدار را که نمی تواند، نایب بگیرد ولی در وقوفین، گرفتن نایب کافی نیست.

[۶۱] س ـ کسی که احتمال می دهد حجی که در سال های قبل انجام داده، صحیح نبوده یا مستطیع نبوده است و فعلاً شرایط استطاعت را دارد و بخواهد احتیاط کند، حج را به چه نیتی به جا آورد؟
ج ـ می تواند قصد مافی الذمه ؛ یعنی قصد امتثال مطلق امر متوجه به او را کند و می تواند قصد حَجّة الاسلام احتیاطاً نماید.

[۶۲] س ـ شخصی که حج واجب خود را انجام داده است آیا می تواند آن را به قصد مافی الذمه اعاده کند؟
ج ـ مانع ندارد ولی اعاده حج کفایت از اجزاء ـ در صورت صحّت حج سابق و بطلان اجزاء ـ نمی کند و باید خود آن جزء تدارك شود.

 [۶۳] س ـ کسی که با وجود تقلید صحیح، قبلاً به حج مشرف شد و چون رجوع به کفایت را مجتهد او شرط استطاعت نمی دانسته حَجّة الاسلام قصد نموده و به جا آورده است با این که رجوع به کفایت نداشته است، فعلاً همه شرایط استطاعت برای او موجود است و از حضرت امام تقلید می کند آیا باید حج سابق را اعاده کند یا خیر؟
ج ـ اعاده لازم است.

[۶۴] س ـ شخصی بعد از انجام عمره تمتّع مریض شد و از انجام حج منصرف شد و به ایران رفت و در مکه کسی را وکیل کرده که برای فراغ ذمه او اقدام نماید، وظیفه در این مورد چیست و آیا محرمات احرام بر چنین شخصی چه وضعی دارد؟

ج ـ در فرض مسأله، وکیل گرفتن بی فایده است و چنانچه سال اوّل استطاعت او بوده است و در اثر مرض از قدرت انجام حج افتاده باشد در این صورت وجوب حج بر او موقوف است به بقای استطاعت تا سال های بعد، ولی در صورتی که سال اول استطاعت نبوده و حج بر او از قبل واجب بوده است، چنانچه مأیوس از خوب شدن باشد باید در همان سال یا سال بعد برای حج و عمره تمتّع نایب بگیرد، و در صورتی که مأیوس از خوب شدن نباشد نمی تواند نایب بگیرد و باید خودش حج و عمره تمتّع را مجدداً انجام دهد، و در هر صورت فعلاً از احرام خارج و محرمات احرام بر او حلال شده است.

[۶۵] س ـ در حال حاضر، که هر کسی بخواهد حج مشرف شود باید قبلاً برای ثبت نام و مقدمات حج اقدام نماید، اگر کسی ثبت نام کرد ولی نوبت او را برای چند سال دیگر اعلام نمودند، اگر قبل از رسیدن آن نوبت، از راه دیگر وسیله رفتن برای او فراهم شد و پول قرض کرد و به مکه رفت، آیا حج او حَجّة الاسلام است یا خیر؟
ج ـ اگر قبلاً حج بر او مستقر نشده و فعلاً هم نمی تواند به حج برود مگر با قرض،حج بر او واجب نشده است، و حج او حَجّة الاسلام نیست.۲۹
[۶۶] س ـ اگر کسی به خیال این که استطاعت دارد، به قصد عمره تمتّع مُحرم شد و به ترتیب کلیه اعمال حج تمتّع حَجّة الاسلام را انجام داد و بعد از تمام شدن اعمال معلوم شد که مستطیع نبوده است، بفرمایید احرام و اعمال گذشته اش چگونه است و نسبت به آینده اگر مستطیع شد، آیا حَجّة الاسلام بر او واجب است یا نه؟
ج ـ مُحرم نیست،۳۰ ولی اگر مستطیع شد باید حَجّة الاسلام به جا آورد.
[۶۷] س ـ کسی خیال می کرد مستطیع نیست، به نیت استحباب مُحرم شد و اعمال عمره تمتّع را انجام داد، بعد در مکه پرسید، معلوم شد مستطیع بوده است، آیا مجدداً باید به نیت وجوب مُحرم شود یا کافی است؟
ج ـ کفایت نمی کند،۳۱ و در صحت حج ندبی او تأمل است.

[۶۸] س ـ شخصی برای زیارت سوریه ثبت نام کرده و فعلاً سه هزار روپیه به دست آورده است و خرج حج بیت الله هم همین مقدار می شود، آیا رفتن حج واجب است یا می تواند به زیارت سوریه برود؟
ج ـ اگر سایر شرایط استطاعت را داشته باشد باید به حج برود.

[۶۹] س ـ در قباله های کنونی برای ازدواج، مبلغ زیادی نوشته می شود، آیا زنی که می خواهد ازدواج کند طبق برنامه مذکور واجب الحج می شود یا خیر؟ ضمناً مشخص فرمایید مبلغ چه‌قدر باشد بهتر است؟
ج ـ اگر بدون مفسده بتواند مهر را بگیرد و به حج برود مستطیع است، و مَهرالسنه بهتر است و استحباب دارد.

[۷۰] س ـ اگر پدری بعد از ثبت نام برای حج، فوت کرده است و چند پسر دارد و اجازه حج به یکی از پسران داده می شود، آیا در چنین موردی استطاعت طریقی برای کدام حاصل می شود؟
ج ـ با فرض وجود سایر شرایط استطاعت، به هر کدام اجازه داده شود مستطیع می شود.

[۷۱] س ـ پدری برای حج ثبت نام کرده و در وصیتش گفته است که برایش حج مستحبی به جا آورند و پسر بزرگتر چون دیده خودش استطاعت بدنی و مالی دارد و فقط استطاعت طریقی نداشته که آن هم با فوت پدر برایش حاصل شده، به نیت خود حج را انجام داده، نه به نیابت از پدر، آیا حج او صحیح است یا نه؟ چون استطاعت طریقی نداشته مگر از طریق نیابت؟
ج ـ فرض مزبور نیابت نیست، و حج خودش صحیح و مُجزی است.

[۷۲] س ـ مسلمین بعضی از کشورهایی که حکومتشان کمونیستی است، اگر بخواهند حج بروند باید مبلغ زیادی

به آن حکومت کمك کنند و قهراً این پول برای تقویت چنین حکومتی مصرف می شود، در صورتی که راه منحصر به این کار باشد آیا اولاً: حج بر چنین اشخاصی واجب است یا نه؟ و ثانیاً: اگر این مقدار پول را بدهند و به حج بروند از حَجّة الاسلام کفایت می کند یا نه؟
ج ـ آنچه ذکر شد موجب سقوط حج نمی شود.

[۷۳] س ـ زنی برای حج ثبت نام کرده است، ولی شوهرش که او هم استطاعت داشته، به عللی ثبت‌نام ننموده است، آیا زن می تواند شرعاً نوبت خود را به شوهرش بدهد به این امید که در آینده هر دو با هم ثبت‌نام نمایند یا نه؟
ج ـ اگر زن مستطیعه است نمی تواند نوبت خود را به شوهرش بدهد، ولی اگر نوبت را به او داد حج شوهر صحیح است.

[۷۴] س ـ من با داشتن بیست هزار تومان قرض و گرفتن یك ماه حقوق قبل از پرداخت آن، موفق به سفر حج شدم، با توجه به اینکه شخص طلبکار از این سفر حج کاملاً راضی و به پولش احتیاج ندارد، آیا این حج واجب محسوب می شود یا نه؟
ج ـ اگر استطاعت مالی برای شما محقق بوده، در فرض مزبور حج شما صحیح وحج واجب محسوب است، به شرط آن‌که امکان ادای بدهی بعداً به سهولت برای شما فراهم باشد. ولی اگر با قرض برای حج استطاعت مالی پیدا کرده اید، مستطیع نشده اید و از حَجّة الاسلام محسوب نمی شود.۳۲

[۷۵] س ـ اگر کسی مستطیع شد، آیا می تواند مال خودش را به پدر یا مادر ببخشد وخرج سفر حج ایشان نماید و اگر چنین کرد تکلیفش چیست؟
ج ـ اگر شخصاً مستطیع است باید حج به جا آورد و با بخشش پول به والدین، تکلیف از او ساقط نمی شود و در صورتی که با بخشش پول به والدین نتواند حج واجب بر خود را به جا آورد بخشش جایز نیست، اگر چه صحیح است.

[۷۶] س ـ اشخاصی که در وقت اسم نویسی برای حج، استطاعت مالی دارند واز طرف دولت برای پنج سال یا بیشتر اسم می نویسند، آیا برای این گونه اشخاص اسم نویسی واجب است یا نه؟ و بر فرض وجوب، اگر مسامحه کردند و ننوشتند و بعد از مدت پنج سال مردند یا از استطاعت مالی افتادند، فقط ترك واجب کرده اند یا اینکه حج هم بر آنان مستقر است؟
ج ـ اگر احتمال دهند که قرعه در همان سال اول به نامشان بیرون می آید لازم است شرکت کنند۳۳ و اگر شرکت نکردند باید به حج بروند و حکم کسی را دارند که حج بر او مستقر است.

[۷۷] س ـ این‌جانب با شرایط زیر، طبق قرعه کشی سازمان حج و زیارت ـ ان شاءالله ـ در سال ۱۳۶۶ عازم بیت الله الحرام هستم:
۱ ـ هزینه کامل زیارت خود و همسرم از پول مُخَمّس تهیه شده است.
۲ ـ معلم آموزش و پرورش بوده و حقوق مستمر در حد معمول زندگی با قناعت را دریافت می دارم.
۳ ـ فاقد مسکن و اتومبیل شخصی بوده و در هر شهری که شاغل باشم، مستأجر هستم.
۴ ـ وسائل زندگی را در حد معمول دارا می باشم.
با توجه به شرایط فوق و شبهاتی که نسبت به وجوب حج و عدم آن از اطراف القا می شود، آیا حج این‌جانب و همسرم از حجّ واجب، کفایت می کند یا خیر؟
ج ـ در فرض مرقوم چنانچه همسر شما به مقدار رفتن و برگشتن برای حج پول دارند و می توانند بروند، مستطیع

هستند، و شما در صورتی استطاعت دارید که لوازم زندگی خود و عائله را به مقدار شأنتان دارا باشید، و بعد از برگشتن بتوانید با درآمد کسب خودتان، زندگی خود و عائله را اداره کنید.

[۷۸] س ـ اگر شخصی مستطیع بود و در رفتن به حج مسامحه کرد تا نوبت او از دست رفت، حال که اسم نمی نویسند، آیا با واسطه و سفارش در ایران یا خارج از ایران و با صرف مبالغی زیاد، جایز است به حج مشرف شود یا خیر؟ زیرا در غیر این صورت سال ها فریضه او تأخیر می افتد و خوف این را دارد که خدای ناکرده از تارکین حج به حساب آید؟
ج ـ باید به هر نحو هست و برخلاف مقررات جمهوری اسلامی نیست به حج مشرف شود.
[۷۹] س ـ شخصی قبلاً حج بر او مستقر نشده، اما در موقع ثبت نام جهت حج تمتّع مستطیع بوده و ثبت نام نموده، ولی بعداً از نظر مالی محتاج شده و احتیاج به پول سپرده شده در بانك را دارد، بفرمایید می تواند پول را پس بگیرد یا خیر؟ و چنانچه در سال اول یا سال های بعد قرعه به نام او اصابت کند، فرق دارد یا نه؟
ج ـ با فرضی که ذکر شده مستطیع نیست و می تواند پول را بگیرد و فرق ندارد.
[۸۰] س ـ پدرم در سال ۱۳۶۰ برای زیارت خانه خدا مستطیع شد و در سال ۱۳۶۲ جهت زیارت خانه خدا به مکه مشرف شد، ولی بعد از احرام بستن، بین راه سکته و فوت کرد و هیچ‌گونه عملی را انجام نداد، آیا حج به گردنش می باشد یا خیر؟
ج ـ اگر بعد از دخول حرم مرده، حج از او ساقط شده است و اگر قبل از دخول حرم فوت کرده،۳۴ در صورتی حج واجب نیست که سال اول استطاعت او باشد.

[۸۱] س ـ دارایی شخصی قریب هفتصد و پنجاه هزار تومان از اصل ملك و خانه که ارث از پدرش به او رسیده می باشد، به اضافه این که یك باب منزل مسکونی هم دارد، اکنون که نامبرده در اثر سانحه ای از دنیا رفته است، دارای یك همسر و دو بچه صغیر می باشد که معاش آنان از درآمد همین املاك مذکور تأمین می شود، آیا شخص مُتَوفی مستطیع بوده یا خیر؟ و در صورت وجوب حج، آیا حج بَلَدی گرفته شود یا میقاتی کفایت می کند؟ و آیا می شود مخارج حج، از کلّ ترکه پرداخت گردد؟
ج ـ چنانچه شخص متوفّی در حال حیات، خرج رفت و برگشت خود و عیالاتش را داشته و در برگشتن هم درآمد لایق به حال خود و خانواده را داشته و می توانسته به مکه برود و تأخیر انداخته، مستطیع بوده و چنانچه وصیت نکرده، حج میقاتی از اصل ترکه خارج می گردد.

[۸۲] س ـ شخصی که حج به جا آورده، لیکن چون اِمرار معاش او از وجوه و امثال آن بوده و آن زمان نیز متذکر مسأله مربوط به عدم استطاعت چنین شخصی نشده و گمان کرده که حج واجب خود را انجام داده است، پس از آن و در حال استطاعت قطعی نیابتاً حج به جا آورده است، آیا حج نیابتی وی صحیح است یا باید پس از انجام حج واجب مستقر خودش، نیابت را تکرار کند؟
ج ـ چنانچه در وقت انجام حجّ اوّلی مستطیع نبوده، با فرض حصول استطاعت در زمان حج ثانی، حج نیابتی باطل است۳۵ و حج خود را باید انجام دهد و حج نیابتی را اگر وقت آن موسّع بوده، بعد از حج خودش انجام دهد و در غیر این صورت به صاحب پول مراجعه کند.

[۸۳] س ـ کسی که واجب الحج بوده، از پاکستان عازم حج شد و در مدینه منوره بیمار گردید و در حال بیماری به طرف مکه رهسپار شد و در بیمارستان مکه قبل از حج وفات نمود، تمام دارائیش در وقت فوت، مقداری پول و قطعه زمینی در پاکستان بوده است، با توجه به این که پول موجودش برای نیابت حج او کفایت نمی کند، آیا ورثه اش باید زمین را بفروشند و برایش نایب بگیرند، و یا اینکه با فوت او حج ساقط می شود؟ اجرکم علی الله.

ج ـ اگر با احرام عمره تمتّع داخل مكه شده و پيش از انجام يا اكمال اعمال عمره يا بعد از انجام آن فوت نمود، همان مقدار عمل او مُجزى و حج از او ساقط است، ولى اگر بدون احرام عمره وارد مكه شد و در آن‌جا فوت نمود، در صورتى كه حج بر او قبلاً مستقر بوده، بايد از اصل تركه او برايش نايب بگيرند و حج ميقاتى كفايت مى كند.

[۸۴] س ـ اين‌جانب در موقع ازدواج، يك سفر حج به زوجه ام وعده داده ام، آيا ادائش چگونه مى باشد؟
ج ـ اگر مجرد وعده بوده است، لازم نيست اداى آن. و اگر مهر قرار داده شده باشد بايد به آن عمل كند.

[۸۵] س ـ اين‌جانب كه به علت كهولت سن و بالا بودن قند خون و امراض ديگر قادر به انجام فريضه حج نمى باشم، آيا مى توانم نيابتاً از طرف خود كسى را به حج بفرستم يا خير؟
ج ـ اگر قبلاً از جميع جهات مستطيع بوده ايد، وليكن اقدام بر انجام حج نكرده ايد و در نتيجه حج بر شما مستقر شده و فعلاً در اثر پيرى يا بيمارى كه اميد خوب شدن نباشد تمكن از سفر حج نداريد واجب است كسى را نايب بگيريد تا براى شما حج به جا آورد.

[۸۶] س ـ شخصى پدرش وصيت كرده است كه فرزندش از جانب او حج به جا آورد، بعد از مرگ پدر، فرزند مستطيع مى شود. آيا لازم است حج خود را بر حج پدر مقدم بدارد و اگر حج خود را مقدم بدارد آيا صحيح است يا نه؟
ج ـ اگر قبل از آن‌كه پسر مستطيع شود، پدر او را اجير كرده كه بعد از فوت او در سال اول حج براى پدر انجام دهد يا نسبت به مدت، مطلق بوده كه منصرف به سال اول است و پسر قبل از استطاعتِ خود اجاره را قبول كرده، لازم است سال اول بعد از فوت پدرحج نيابى براى پدر انجام دهد.۳۶ و در غير اين صورت بايد براى خودش حج كند.و در صورت اول، اگر براى خودش حج به جا آورد صحيح است، گرچه در مخالفت اجاره معصيت كرده است. ولى در صورت دوم، اگر حج نيابى به جا آورد صحيح نيست، و نه براى خودش واقع مى شود و نه براى پدرش، و حج بر خودش مستقر مى شود كه بايد به هر نحو شده در سال بعد اتيان كند و اگر به جا نياورد در سال هاى بعد، با مراعات فوراً ففوراً، انجام دهد. و بايد معلوم باشد كه مجرد وصيت به حج بدون استيجار فرزند، نيابت را بر او واجب نمى كند هرچند وصيت را قبول كرده باشد. بنا بر اين در فرض استطاعت فرزند بعد از فوت پدر بايد براى خودش حج به جا آورد و نيابت صحيح نيست.

[۸۷] س ـ خانم خانه دارى كه حج بر او واجب شده است و شوهرش اجازه مسافرت به تنهايى را نمى دهد و مى گويد چون براى حج اسم مرا ننوشته اى من اجازه نمى دهم، وظيفه اش چيست؟ و آيا بدون اجازه شوهر مى تواند به حج برود يا نه؟
ج ـ در سفر حجّ واجب، براى زن اجازه شوهر شرط نيست و زن بايد حج واجب خود را به جا آورد ولو اين كه شوهر او راضى به مسافرت او براى حج نباشد.۳۷

[۸۸] س ـ شخصى طبق وصيت پدر، كه پول به حساب سازمان حج واريز كرده است، به نيابت او به مكه آمده در حالى كه خود فرزند نيز استطاعت مالى داشته است، آيا به نيابت پدر حج به جا آورد يا حج خود را انجام دهد؟
ج ـ اگر راه براى پسر باز نبوده و از جهت نوبت پدر و نيابت از او، راه براى او باز شده است، بايد براى پدرش حج كند، مگر آن‌كه تبرّعاً و بدون اجاره به نيابت پدر آمده باشد، كه در اين صورت مستطيع شده و بايد براى خودش حج به جا آورد، و گذشت كه به مجرد وصيت و قبول فرزند، نيابت واجب نمى شود مگر آن‌كه قبل از استطاعت اجير شود.۳۸

[۸۹] س ـ شخصی به‌جز برای هَدْی، استطاعت حج را دارا است، آیا حج برای او واجب است؟
ج ـ بلی مستطیع است و پول هَدْی، جزو استطاعت نیست.

[۹۰] س ـ این‌جانب سال گذشته به حج مشرف شدم و با توجه به فتوای حضرت‌عالی که فرموده اید طلابی که به شهریه حوزه نیاز دارند مستطیع نیستند و در صورتی مستطیع می شوند که از وجوه شرعیه مستغنی باشند، لذا این‌جانب مقدار پولی با افراد ذي‌حق (پدر و همسایه) مبادله و دستگردان کردم و به عنوان این که نسبت به بنده ذی حق هستند، به آنان بخشیدم و ایشان آن را جهت مخارج حج به من برگرداندند، من هم در تمام اعمال و مناسك حج نیت حَجّة الاسلام کردم، آیا این حج برای این‌جانب کفایت از حَجّة الاسلام می کند یا نه؟ ضمناً لازم به تذکر است که در ثبت نام عمومی سال ۱۳۶۰ پول به حساب ریختم و آن موقع فتوای فوق را ندیده بودم و پولی که دستگردان شده بود جایگزین آن پولی که در حساب واریز کرده بودم قرار گرفت، بفرمایید آیا عین پول مبذول باید هزینه باشد یا بذل آن کافی است؟
ج ـ در فرض سؤال احوط آن است۳۹ که بعداً اگر استطاعت پیدا کردید حج را اعاده نمایید.

[۹۱] س ـ شخصی قدرت مسافرت حج را ندارد و از قادر شدن بعد هم مأیوس است واستطاعت مالی هم ندارد، اگر به او بذل نفقه حج نمایند، آیا باید قبول کند و نایب بگیرد یا اینکه قبول واجب نیست، و نیز اگر او را مهمان کنند، حج واجب می شود تا استنابه کند یا خیر؟
ج ـ در فرض مرقوم حج واجب نیست.

[۹۲] س ـ اگر در میقات مستطیع شد و حَجّة الاسلام به جا آورد، مُجزی است یا نه؟ و آیا در فرض مسأله، رجوع به کفایت شرط است یا نه؟
ج ـ اگر مستطیع شده، مُجزی است، ولی رجوع به کفایت شرط است.

[۹۳] س ـ شخصی که استطاعت رفتن به حج را پیدا کرده، آیا می تواند پول حج را به مصرف لازمی در غیر مؤونه خود و افراد واجب النفقه اش خرج کند و خود را از استطاعت بیندازد؟ مثلاً آیا می تواند در شرایط کنونی کشور خرج جبهه کند؟
ج ـ مستطیع باید به حج برود، و دادن پول در مصارف مذکور کافی از حج واجب نیست، و اگر خرج کند و از استطاعت بیفتد، باید به هر نحو هست به حج برود.
[۹۴] س ـ در مواردی که نهاد یا ارگانی فردی را به حج می فرستد، بدون این که ملزم باشد کاری انجام دهد، آیا از موارد حج بذلی است یا خیر؟ و قبول آن واجب است؟
ج ـ با فرض مشروعیت آن بدون تعهد به هیچ کاری، حکم حج بذلی دارد.
[۹۵] س ـ مقداری پول دارم که برای رفت و آمد به سفر مکه کافی است، ولی هنوز از طرف دولت جمهوری اسلامی وقتی برای ثبت نام اعلام نشده است، آیا نگهداری آن پول لازم است و من مستطیع هستم؟
ج ـ اگر سایر شرایط را دارید و در همین سال هم ثبت نام می شود، باید ثبت نام کنید. و در غیر این صورت مستطیع نیستید۴۰ و نگهداری پول لازم نیست.

[۹۶] س ـ همسر شهیدی که دارای دو بچه چهار ساله می باشد و عملاً سرپرستی این دو بچه را دارد و به عنوان خانواده شهید قرعه حج هم به نام او در آمده است، آیا مشارالیها می تواند مخارج را از مال این دو صغیر بردارد و مناسك حج را انجام دهد یا خیر؟
ج ـ نمی تواند مصارف حج را از اموال صغیر بردارد.

[۹۷] س ـ کسی که چهار پسر دارد و زن برای همه شان گرفته است، و خرج سالانه خود را هم دارد و قرض هم ندارد، و با پسرانش درآمدشان یکجا است، الآن خرج دو نفر را دارند که به حج بروند، آیا حج واجب است یا نه، و اگر واجب شده است آیا تنها بر پدر واجب شده یا بر پسر هم واجب شده است و اگر بر پسر هم واجب شده است کدامشان حق اولویت دارند؟
ج ـ کسی که از مال خودش به مقدار حج دارد و می تواند به مکه برود و بعد از برگشت زندگانی لایق شأنش را داشته باشد مستطیع است و باید حج برود.

[۹۸] س ـ کسی که واجد شرایط حج باشد و نوه ای دارد که شرعاً و عرفاً به زن احتیاج دارد که اگر زن نگیرد به حرام می افتد، آیا کدام مقدم است و وظیفه پدربزرگ چیست، ازدواج برای نوه اش یا حج؟
ج ـ حج خودش مقدم است مگر اینکه ازدواج نوه، از مخارج عرفی او محسوب شود و نتواند هم برای او ازدواج کند و هم به مکه برود.

[۹۹] س ـ این‌جانب با داشتن استطاعت مالی و هفتاد و دو سال سن، چون معتاد به خوردن تریاك هستم طبق مقررات کشوری، اداره بهداشت از رفتن حج جلوگیری می کند، از نظر شرع تکلیف حج چیست؟
ج ـ اگر قبلاً مستطیع بوده اید و با امکان، حج نرفته اید حج بر شما مستقر شده است، و اگر قبلا استطاعت نداشته اید در فرض مذکور مستطیع نیستید، مگر آن‌که بتوانید، ولو با ترك تریاك، تحصیل اجازه کنید و به مکه بروید.

[۱۰۰] س ـ آیا از منافع خمس و زکات، کسی مستطیع می شود یا نه، و آیا خمس و زکات جزو ترکه میت است یا نه؟
ج ـ چنانچه به عنوان مصرف از طرف ولیّ امر به او داده شده، مالك شده و جزو ترکه او محسوب است، و از منافع آن هم با وجود سایر شرایط، مستطیع می شود.

[۱۰۱] س ـ هر گاه کسی سرمایه یا ابزار کار دارد که اگر مقداری از آن را بفروشد می تواند با آن زندگی کند بدون زحمت، و با تفاوت آن قادر بر حج است آیا این شخص مستطیع است؟
ج ـ با وجود سایر شرایط، مستطیع است.

[۱۰۲] س ـ شخصی باغی دارد که چند سال است درآمدی نداشته، اما از نظر قیمت برای سفر حج کافی بوده، صاحب باغ عرفاً اطمینان دارد وقتی باغ ثمر بدهد او هم از کار افتاده خواهد شد و باید از درآمد باغ امرار معاش نماید، آیا این شخص مستطیع است؟
ج ـ اگر تمکن از امرار معاش به غیر از درآمد آن باغ نداشته باشد مستطیع نیست.

[۱۰۳] س ـ شخصی که بعد از عمره تمتّع دیوانه شده، آیا لازم است که او را برای حج محرم کنند و وظیفه چیست؟
ج ـ لازم نیست و بر دیوانه تکلیفی نیست.

[۱۰۴] س ـ اگر دختر بچه سه ساله را مادرش در سفر مکه معظّمه همراه ببرد و در میقات نیت احرام و تلبیه را از جانب دخترش انجام بدهد و در طواف عمره و سعی بین صفا ومروه و طواف زیارت و طواف نساء و وقوف عرفات و مشعر و منی ، مادر از طرف دختر نیت نموده و خود دختر را طواف و سعی و توقف بدهد و آنچه از اعمال حج که دختر قادر نیست مادرش از جانب او انجام دهد، آیا آن دختر بعد از بلوغ و رشد می تواند شوهر نماید یا خیر؟

ج ـ با فرض این که تمام اعمال را مطابق وظیفه انجام داده اند از احرام خارج شده و می تواند شوهر کند.

[۱۰۵] س ـ اگر اطفال غیر ممیز ـ پسر یا دختر ـ را پدر و یا مادر در سفر مکه معظمه همراه ببرند، آیا واجب است که پدر یا مادر در صورت تمکن اطفال، خود اطفال را وادار به انجام اعمال حج و عمره و طواف نساء نمایند و یا خود پدر و مادر و یا نایب ایشان اعمال عمره و حج و طواف نساء را از جانب اطفال به جا آورند، و اگر هیچکدام از کارهای مذکور فوق را پدر و مادر و اطفال عملی نکنند آیا این اطفال بعد از بلوغ و رشد می توانند ازدواج کنند و یا باید به مکه بروند و عمره و حج و طواف نساء را انجام دهند و بعد ازدواج نمایند و یا تنها طواف نساء بر گردن آنان است؟
ج ـ بر ولیّ طفل واجب نیست او را مُحرم کند یا از طرف او حج انجام دهد، ولی اگر او را مُحرم کرد باید وظایف و اعمال را مطابق وظیفه ای که در مناسك و در رساله ذکر شده است انجام دهند، وگرنه در بعض صور، طفل در احرام باقی می ماند و تا تدارك نکند نمی تواند ازدواج نماید.

[۱۰۶] س ـ اولاً با وجود دَین چه مقدار پول برای استطاعت کافی است؟ و ثانیاً در صورتی که پول باشد لیکن به علت بیماری قلب، مقامات پزشکی سازمان حج و زیارت تشرّف را خالی از خطر ندانسته و تجویز ننمایند، آیا بایستی یك نفر برای انجام حج اعزام گردد؟
ج ـ شما اگر قبل از آن‌که استطاعت پیدا کنید مریض شده اید، که قدرت رفتن به مکه را از جهت مرض نداشته اید، مستطیع نشده اید و نایب گرفتن لازم نیست و نیز استطاعت مالی در صورتی موجود است که پول به مقدار رفتن و برگشتن داشته باشید و پس از برگشت، امکان پرداخت دین به سهولت برای شما باشد.۴۱
۲۹. به حاشیه مسأله ۲۰ مراجعه شود.
۳۰. اگر به قصد انجام وظیفه فعلیه بوده، حج صحیح و استحبابی می‌باشد.
۳۱. اگر شخص مستطیع با اعتقاد به اینکه مستطیع نیست قصد حج استحبابی کند، و بعد معلوم شود که مستطیع بوده، کفایت آن از حَجةالاسلام محل اشکال است و بنابر احتیاط، واجب است در سال بعد حجّ را به جا آورد، مگر آن که به توهّم اینکه وظیفه فعلیه او امتثال امر استحبابی است، قصد امتثال امر فعلی شارع مقدس را داشته باشد که در این صورت کفایت از حَجةالاسلام می‌کند. (مناسک حج، م۶۵)
۳۲. به حاشیه مسأله ۲۰ مراجعه شود.
۳۳. بلکه اگر رفتن به حج در سالهای بعد منوط به نام نویسی و پرداخت مبلغی در این سال باشد بنا بر احتیاط واجب باید نسبت به این کار اقدام کند. (مناسک حج، م۶۹)
۳۴. بنابر احتیاط واجب (مناسک حج، م۷۳)
۳۵. حج اوّل صحیح بوده و حج نیابتی او نیز صحیح است. (مناسک حج، م۵۵ و م ۷۹ بند ۵)
۳۶. اگر بعد از عقد اجاره به‌واسطه مالی غیر از مال الاجاره مستطیع شود باید در آن سال حج را برای خود انجام دهد و اگر عقد اجاره او برای همین سال بوده اجاره باطل است و در غیر این صورت باید حج استیجاری را در سال بعد به جا آورد. (مناسک حج، م۶۴)
۳۷. اما اگر رفتن زن به حج بدون کسب اجازه شوهر موجب عسر و حرج براي زن شود، مستطیع نخواهد بود و حج بر او واجب نیست (مناسک حج، س۸)
۳۸. به حاشیه مسأله ۸۶ مراجعه شود.
۳۹. این‌گونه افراد حجّشان صحیح و مجزی است. (مناسک حج، م۵۵)
۴۰. به حاشیه مسأله ۲۴ مراجعه شود.
۴۱. طبق تفصیلي که در مسأله ۲۱ بیان شده است.